

## واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی

سید کاظم ابراهیمی<sup>۱</sup>، علی بهرامی نسب<sup>۲</sup> و مهدی حسن‌زاده<sup>۳</sup><sup>۱</sup>استادیار گروه حسابداری دانشگاه سمنان، سمنان، ایران<sup>۲</sup>مربی گروه حسابداری دانشگاه سمنان، سمنان، ایران<sup>۳</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه سمنان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۳

**The Analysis of Financial Reporting Quality and Tax Avoidance According to Governmental Ownership and Political Connections****Seyed Kazem Ebrahimi<sup>1</sup>, Ali Bahraminasab,<sup>2</sup> Mehdi Hasanazadeh<sup>3</sup>**<sup>1</sup>Assistant Professor of Accounting, Semnan University, Semnan, Iran<sup>2</sup>Instructor of Accounting, Semnan University, Semnan, Iran<sup>3</sup>MSc. Student of Accounting, Semnan University, Semnan, Iran

Received: (30/Jun/2017) Accepted: (23/Feb/2017)

**Abstract**

Directors of public companies have short-term horizons decisions, so they are try to use every possible means, including manipulation and earnings management, to improve their current performance and therefore increase their reward. In addition relations and political connections influence not only on the financial position of economic firms, but it also affects managers' motivation in relation to earnings management. Finally, it is expected that this situation creates significant differences in tax policy and the quality of corporate reporting; the aim of this study was to determine the effect of governmental ownership and political connections on financial reporting quality and tax avoidance. In this study, the data from 106 company listed in the Tehran Stock Exchange in the period from 2010 to 2015 were used, the results of multivariate regression model shows that governmental ownership and political connections have negative and significant effect on the quality of financial reporting and when the percentage of governmental ownership or political connections rise, leads to reduced quality of corporate reporting. The results also showed that Governmental ownership companies have no significant effect on tax avoidance, but political connections have a significant positive effect on corporate tax avoidance.

**Keywords**

Governmental Ownership, Political Communication, the Quality of Financial Reporting and Tax Avoidance

**چکیده**

مدیران شرکت‌های دولتی دارای افق تصمیم‌گیری کوتاه‌مدت می‌باشند، لذا تلاش می‌نمایند تا به هر طریق ممکن از جمله دست‌کاری و مدیریت سود، عملکرد دوره جاری و در نتیجه پاداش خود را افزایش دهند. علاوه بر این روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با مدیریت سود تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب ایجاد تفاوت‌های چشمگیر در سیاست‌های مالیاتی و کیفیت گزارشگری شرکت‌ها می‌شود. هدف از تحقیق حاضر تعیین اثر مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی بر کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها هست. داده‌های تحقیق حاضر با استفاده از اطلاعات مالی ۱۰۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ جمع‌آوری شده است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از الگوی رگرسیون خطی چند متغیره با استفاده از داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد و زمانی که درصد مالکیت دولت و یا ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها افزایش می‌یابد، کیفیت گزارشگری شرکت‌ها کاهش می‌یابد، همچنین نتایج نشان داد که مالکیت دولتی اثر معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها ندارد، اما ارتباطات سیاسی اثر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد.

**واژه‌های کلیدی:**

مالکیت دولتی، ارتباطات سیاسی، کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی

\*Corresponding Author: Seyed Kazem Ebrahimi

نویسنده مسئول: سید کاظم ابراهیمی

Email: Kbrahimi@semnan.ac.ir

## مقدمه

اطلاعات منصفانه و حقیقی برای تصمیم‌گیرندگان تعریف شده است. به بیان دیگر، هرگاه مدیران در ارائه اقلام مندرج در صورت‌های مالی دو واژه‌ی بی‌طرفی و عینیت را رعایت کرده باشند، می‌توان گفت گزارش‌های مالی با کیفیت می‌باشند (براندت<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۰: ۸۶۵). از دیدگاه نظری اجتناب مالیاتی، تلاش برای کاهش مالیات‌های پرداختی است (هانلون و هیتزمن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). بحث اجتناب مالیاتی بیشتر به نظر می‌رسد در مورد شرکت‌های با جدایی مالکیت مطرح باشد، زیرا افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف و جریمه شدن و ریسک گریزی و یا انگیزه‌های درونی مثل وظیفه اجتماعی، کمتر، درگیر فرار و اجتناب مالیاتی می‌شوند، ولی در شرکت‌ها به طور معمول، سهامداران انتظار دارند که مدیران به دنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی‌های احتمالی بیشتر از هزینه‌های اضافی مورد انتظار برای آن‌ها باشد، به دنبال کاهش بدهی‌های مالیاتی و اجتناب مالیاتی باشند. بنابراین، اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند. بنابراین، یکی از چالش‌های پیش روی سهامداران و هیئت‌مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند (جنسن<sup>۳</sup>، ۱۹۷۶: ۳۲۴).

در بحث حاکمیت شرکتی، سازوکار مالکیت یک ابزار کنترلی اصلی تلقی می‌شود. برخی از انگیزه‌های مالکان متأثر از نظریه ذینفعان هست. بر اساس این نظریه چون جامعه به شرکت‌ها امکان تداوم فعالیت را فراهم می‌آورد، شرکت‌ها برای جبران این امکان از عدم پرداخت مالیات سر باز نمی‌زنند. زیرا پرداخت مالیات را پاداشی برای به وجود آمدن آن امکان می‌دانند. از طرف دیگر نظریه نمایندگی وجود دارد، طبق این نظریه، مالکان توجه خاصی به ثروت و منافع شرکت تحت مالکیت خود دارند و هرگونه پرداخت مالیات به دارایی را فاقد ارزش و یا کم‌ارزش برای شرکت قلمداد می‌نمایند. بدین جهت، میزان عدم پرداخت مالیات با نوع مالکیت ارتباط پیدا می‌کند (رضایی و ویسی حصار، ۱۳۹۳: ۴۵۱). طبق فرضیه ارتقای سیاسی، عملکرد مدیران شرکت‌های دولتی به طور عمده بر اساس معیارهای کوتاه‌مدت سنجیده می‌شود، بنابراین مدیران شرکت‌های دولتی تلاش می‌نمایند تا به هر طریق

سیاست مالیاتی جسورانه یک راه قانونی با استفاده از خلأهای موجود در قوانین مالیاتی جهت عدم پرداخت یا تأخیر در پرداخت مالیات برای شرکت‌ها هست. از آنجا که عوامل مختلفی باعث سیاست مالیاتی جسورانه و اجتناب مالیاتی می‌گردد، از آنجا که اجتناب مالیاتی فعالیتی به ظاهر قانونی است، به نظر می‌رسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین برای استفاده از مزایای مالیاتی است و به طور عمده قوانین محدودکننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد (رضا زاده و خانی، ۱۳۹۴). به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند و به همین دلیل تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها اهمیت زیادی دارد. با توجه به اینکه شرکت‌ها بعد از برقراری ارتباطات سیاسی، دسترسی آسان‌تری به منابع مالی دارند، لذا وجود ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها، تصمیمات سرمایه‌گذاران را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، علاوه بر این فرآیند خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی دولت و تغییر در ساختار مالکیت موجب تغییر در میزان ارتباطات سیاسی شرکت‌ها می‌گردد، لذا بررسی ارتباطات سیاسی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در بازار سرمایه ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. از طرفی با توجه به اینکه میزان ارتباطات سیاسی بر جسارت مدیران این گونه شرکت‌ها تأثیرگذار بوده و سطح استفاده از اقلام تعهدی اختیاری را در آنها افزایش می‌دهد، می‌توان انتظار داشت با دست‌کاری در میزان سود گزارش شده، میزان مالیات پرداختی شرکت نیز تغییر می‌یابد.

علاوه بر این در طول سال‌های اخیر کشور ایران دچار بحران‌های مالی متعددی شده است به خصوص اینکه در سال ۱۳۹۰ میانگین نرخ ارز در بازار تهران نسبت به سال قبل افزایش قابل توجهی یافت و از قیمت ۱۱۰۵۰ ریال به قیمت ۲۱۵۰۰ ریال نوسان داشته است (عاطفی منش و ستاورز، ۱۳۹۱). (فاقد رفرنس) بحران سال ۱۳۹۰ اثرات معناداری بر فروش، سودآوری و منابع مالی شرکت‌ها ایجاد نموده است که این امر موجب می‌شود، مدیران با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری و فعالیت‌های مالیاتی جسورانه، اقدام به کاهش مالیات پرداختی خود نمایند، لذا انجام تحقیق‌های مربوط به سیاست‌های مالیاتی جسورانه و ارتباطات سیاسی در چنین شرایطی ضروری بوده اما تاکنون در ایران چنین تحقیقی انجام نشده است. در بسیاری از مطالعات حسابداری و مالی، کیفیت گزارشگری مالی میزان صداقت مدیران در ارائه

1. Brandt  
2. Hanlon & Heitzman  
3. Jensen

بهادار تهران همگی از نوع شرکت‌های سهامی عام می‌باشند که در آنها مالکیت از مدیریت تفکیک شده است و نوع مالکیت آنها به اشکال مختلفی می‌باشد و ارتباطات سیاسی متفاوتی در این شرکت‌ها وجود دارد، به همین دلیل در این تحقیق تلاش می‌گردد تا اثر ساختار مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی بر کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها مورد بررسی قرار گیرد، بنابراین سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که آیا ساختار مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی بر کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی تأثیرگذار می‌باشند؟

### مبانی نظری تحقیق

#### اجتناب مالیاتی

اجتناب مالیاتی یک نوع سوء استفاده رسمی از قوانین مالیاتی است و با یافتن راه‌های گریز از پرداخت مالیات در قوانین مالیاتی یا تلاش در جهت یافتن راه‌های قانونی به منظور کاهش میزان مالیات پرداختی مرتبط هست (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۳: ۴۵). در ادبیات حسابداری، اجتناب مالیاتی از دو بعد گسترده و محدود تعریف شده است. در بعد گسترده، اجتناب مالیاتی به صورت کاهش آشکار مالیات به ازای هر ریال سود حسابداری قبل از مالیات تعریف می‌گردد. طبق این تعریف تمام معاملاتی که بر بدهی مالیاتی آشکار شرکت اثر می‌گذارند در زمره اجتناب مالیاتی قرار می‌گیرند و بین فعالیت‌های واقعی با مطلوبیت مالیاتی، فعالیت‌های اجتنابی که به منظور کاهش مالیات انجام می‌شوند و لابی‌هایی که برای کسب مزایای مالیاتی انجام می‌شوند، تفاوتی قائل نمی‌شود (چهرمی، ۱۳۹۱: ۲۲). طبق این تعریف، اگر اجتناب مالیاتی را به صورت طیفی از استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی در نظر بگیریم، در یک سر طیف اجتناب مالیاتی قانونی (نظیر سرمایه‌گذاری در اوراق مشارکت) و در سر دیگر طیف اجتناب مالیاتی غیرقانونی قرار می‌گیرد (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰: ۱۲۹). برخی اجتناب مالیاتی را به صورت انجام اقدامات قانونی به منظور کاهش بدهی مالیاتی تعریف می‌نمایند. در بعد محدود، تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی ریشه در قانونی بودن اقدامات مؤدیان دارد. فرار مالیاتی نوعی تخطی از قانون است، در مقابل، اجتناب مالیاتی در چارچوب قوانین مالیاتی انجام می‌شود و مؤدی دلیلی برای نگرانی بابت کشف احتمالی اقدامات خویش ندارد (چهرمی، ۱۳۹۱: ۲۵).

#### کیفیت گزارشگری مالی

کیفیت گزارشگری مالی با اینکه همواره یکی از پایه‌ای‌ترین

ممکن از جمله استفاده از مدیریت سود و اقلام تعهدی اختیاری، عملکرد دوره جاری را بهبود بخشند و همین امر میزان استفاده از اقلام تعهدی اختیاری را در شرکت‌های با مالکیت دولتی افزایش داده و منجر به کیفیت کمتر گزارشگری مالی می‌گردد. چنانکه سازمان‌های دولتی و شبه دولتی در شرکتی سرمایه‌گذاری قابل توجهی انجام دهند و کنترل آن شرکت را به دست آورند، این اطمینان برای شرکت‌ها ایجاد می‌گردد که کسری وجه نقد آنها توسط نهادهای دولتی و بانک‌ها به راحتی تأمین می‌گردد و نباید نگران کاهش نقدینگی ناشی از پرداخت مالیات باشند، لذا انگیزه‌ای برای اجتناب مالیاتی در این شرکت‌ها وجود ندارد (رضایی و جعفری نیارکی، ۱۳۹۴: ۱۱۰). شرکت‌ها تمایل زیادی به برقراری ارتباط نزدیک با دولت و سیاستمداران دارند. زیرا این روابط منافع زیادی نظیر امتیاز دسترسی به بازار، تخفیف‌های مالیاتی، دسترسی آسان‌تر به اعتبارات، یارانه‌های دولتی در پی دارد، در عوض شرکت‌های دارای روابط سیاسی ممکن است منافع به دست آمده ناشی از این روابط را با سیاستمداران تسهیم نمایند. این نوع بافت اقتصادی در سطح یک جامعه، اقتصاد مبتنی بر رابطه نامیده می‌شود. در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباط سیاسی یک منبع مهم ارزش برای شرکت‌های دارای این روابط است (لی و وانگ، ۲۰۱۶: ۲). روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی و تهیه صورت‌های مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد و در نهایت باعث ایجاد تفاوت‌های چشمگیر، در کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی می‌گردد. همچنین شرکت‌هایی که دارای روابط گسترده سیاسی با دولت می‌باشند، دولت آنها را به ذخایر نقدی بزرگ از طریق تأمین مالی ارزان و پرداخت مالیات کمتر قادر خواهد ساخت و مدیران آنها از سیاست‌های مالیاتی جسورانه‌تری استفاده می‌نمایند (کیم و ژانگ، ۲۰۱۶: ۷۹).

در کشور ایران نیز روابط سیاسی دارای ابعاد پررنگی است، سیاسی بودن مدیران و مالکان عمده شرکت‌ها به دلیل دولتی بودن شرکت‌ها و صنایع بزرگ تأثیرگذار بر اقتصاد و نیز نظام اقتصادی حاکم بر کشور یعنی اقتصاد دولتی هست. همچنین با توجه به اینکه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق

1. Lee & Wang
2. Kim & Zhang

تملك دولت می‌گردد (بوباكري<sup>۱</sup> و ديگران، ۲۰۱۲: ۵۴۶). نشانه‌های مدیریت سیاسی شرکت‌ها عبارت‌اند از وجود اعضای هیئت‌مدیره وابسته به دولت، مجلس و مانند این نوع نهادهاى سياسى، و يا وجود سهامدار عمده (دارای حداقل ده درصد سهام دارای حق رأی) دولتی و شبه دولتی. این متغیر با بررسی دقیق یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و گزارش هیئت‌مدیره به مجمع عمومی از طریق شناسایی مدیرعامل، اعضای هیئت‌مدیره، سهامداران عمده، اشخاص وابسته و اشخاص در تعامل با شرکت‌های نمونه به انحای گوناگون صورت پذیرفت (لی و وانگ، ۲۰۱۶: ۵). یکی دیگر از معیارهایی که در تحقیقات اخیر برای اندازه‌گیری ارتباط سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است، معیار بدهی بلندمدت می‌باشد، مطالعات متعدد (مانند فان و همکاران، ۲۰۰۸، فان و وانگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶) نشان داده است که ارتباط سیاسی بیشتر در شرکت‌ها، باعث می‌شود که فرصت دسترسی شرکت‌ها به منابع بلندمدت و کم‌هزینه‌تر فراهم شده و در نتیجه در شرکت‌های با ارتباط سیاسی بالاتر، نسبت بدهی‌های بلندمدت بیشتر می‌گردد (لین<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۵: ۷۰).

#### مالکیت دولتی

در سال‌های اخیر حضور سرمایه‌گذاران مختلف در جمع سهامداران شرکت‌های سهامی عام از رشد چشم‌گیری برخوردار بوده است. کمیت و کیفیت حضور این سرمایه‌گذاران در جمع مالکین شرکت‌های صنعتی به لحاظ تأثیری که بر ساختار مالکیت و نیز نحوه حاکمیت بر سازمان بر جای می‌گذارد درخور توجه است (اننار<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۵۱). به طور کلی سرمایه‌گذاران در بورس به دو دسته سهامداران حقیقی و سهامداران حقوقی تقسیم می‌شوند. بخشی از سهامداران حقوقی را واحدهای دولتی و شبه دولتی مانند بانک‌ها، بیمه تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی تشکیل می‌دهند. دنیس و مک کونل<sup>۵</sup> (۲۰۰۳) مالکیت دولتی را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

«مالکیت دولتی نوع جالبی از تعدد سهامداران در عین تمرکز مالکیت است.»

این سهامداران به دلیل سهم اندک از شرکت و نداشتن منفعت در جریان‌های نقدی شرکت به طور مستقیم هیچ انگیزه شخصی برای نظارت بر مدیران ندارند. در نتیجه به

مفاهیم در حسابداری بوده است، اما محققین در تعریف آن توافق چندانی با یکدیگر ندارند. داوچو<sup>۱</sup> و دیچو (۲۰۰۱). در تعریفی گسترده، کیفیت را از منظر سود و در قالب ارائه اطلاعات مربوط به عملکرد مالی شرکت جهت تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان تعریف نموده‌اند. کیفیت گزارشگری مالی سبب سودمندی اطلاعات می‌شود، بنابراین واضح است که قانون‌گذاران و سرمایه‌گذاران برای داشتن گزارشگری با کیفیت بیشتر هم عقیده هستند؛ زیرا اعتقاد نهایی این است که کیفیت گزارشگری مالی به طور مستقیم روی بازارهای سرمایه اثرگذار است. بنابراین، با توجه به این که کیفیت گزارشگری مالی تأثیر با اهمیتی بر بازارهای سرمایه دارد، می‌توان نتیجه گرفت که در سطح کلان، کیفیت گزارشگری مالی دارای اثرات اقتصادی است (براندت و همکاران، ۲۰۱۰: ۸۶۶). مدیریت سود یکی از ابعاد مهم کیفیت گزارش مالی و موضوع اصلی در میان تمامی سهامداران شرکت می‌باشد از آنجا که میزان سود یکی از معیارهای مهم ارزیابی عملکرد محسوب می‌شود، بنابراین هر گونه دخالتی که سبب شود صحت گزارش‌ها خدشه‌دار گردد می‌تواند بر نحوه تصمیم‌گیری کاربران گزارش‌های مالی تأثیرگذار باشد (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲).

#### ارتباطات سیاسی

نظریه اقتصاد سیاسی، از نیمه دوم قرن بیستم با گسترش و نفوذ مکتب لیبرالیسم، وارد متون اقتصادی جهان شد. این نظریه نه تنها مورد توجه اقتصاددانان و سیاستمداران واقع شده است، بلکه جامعه‌شناسان نیز آثاری در بسط و توضیح این نظریه ارائه داده‌اند. بر اساس این نظریه اقتصاد و سیاست تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند. این به این معنا است که فعالیت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر فعالیت‌های اقتصادی و بر عکس دارند (مهدی فرد و رویایی، ۱۳۹۴: ۲۲). به اعتقاد فیس من (۲۰۰۱) روابط سیاسی در مقایسه با پایه‌های اقتصادی شرکت، عامل اصلی تعیین‌کننده سودآوری شرکت در کشورهای آسیای شرقی و در حال توسعه است، او معتقد است که عایدات شرکت‌های دارای روابط سیاسی به طور گسترده تحت تأثیر تصمیمات دولتی قرار دارد، که علائق آنها را مورد توجه قرار می‌دهد. در شرکت‌های دارای روابط سیاسی دسترسی به منابع سرمایه بستگی زیادی به سود گزارش شده ندارد، زیرا روابط سیاسی منجر به دسترسی آسان به اعتبار و منابع سرمایه از بانک‌های تحت

1. Boubakri  
2. Fan & Wang  
3. Lin  
4. Annuar  
5. Denis & McConnell

1. Dechow

گزارش‌دهی نادرست مقدار سود قرار دارند برقراری و حفظ ارتباط بین شرکت‌ها و دولت، معمولاً همراه با کسب مزیت رقابتی صورت می‌گیرد. هدف برخی مدیران شرکت‌ها از برقراری ارتباط، رفع محدودیت‌های مالی با کمترین هزینه است (لین و همکاران، ۲۰۱۵: ۷۱).

کیم و ژانگ (۲۰۱۶) به تحقیقی با عنوان «ارتباطات سیاسی و سیاست مالیاتی جسورانه» پرداختند. دوره زمانی تحقیق آنها سال‌های بین ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹ بود. نتایج تحقیق آنها نشان داد که ارتباطات سیاسی اثر معناداری سیاست مالیاتی جسورانه دارد و شرکت‌های با ارتباط سیاسی بالاتر از سیاست‌های مالیاتی جسورانه‌تری استفاده می‌نمایند و میزان اجتناب مالیاتی بالاتری دارند.

آل داهامیری و کواسمایل<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی تأثیر ذخیره وجه نقد و روابط سیاسی و اثر متقابل آنها بر کیفیت سود در کشور مالزی پرداختند. نمونه انتخابی در این تحقیق بالای ۱۰۰ شرکت از کشور مالزی بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌مداران، شرکت‌ها را به افشای اطلاعات در رابطه با ارتباط آنها با دولت، احزاب سیاسی و یا سیاست‌مداران ملزم یا تشویق می‌کنند، به طوری که سرمایه‌گذاران و تمام اشخاص علاقه مند بتوانند از این اطلاعات در ارزیابی بهتر کیفیت سود شرکت‌ها استفاده کنند.

نیکو مرام و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی تأثیر روابط سیاسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بر کیفیت ارقام تعهدی پرداختند و تعداد ۱۱۹ شرکت را در دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ بررسی نمودند. که نتایج نشان می‌دهد که وجود روابط سیاسی در شرکت‌های نمونه، منجر به کاهش کیفیت ارقام تعهدی می‌گردد.

مشایخی و علی پناه (۱۳۹۴) به تحقیقی با عنوان «تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت» پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه‌ی مثبت یا به بیانی دیگر تأیید نظریه ارزش آفرینی در رابطه‌ی بین فعالیت‌های اجتناب از مالیات و ارزش شرکت است. نتایج نشان می‌دهد که با بهبود کیفیت ساختار راهبری شرکتی، تأثیر مثبت فعالیت‌های اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت بیشتر می‌شود.

### تأثیر مالکیت دولتی بر کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی

به نظر کولینان<sup>۱</sup> و همکارانش (۲۰۱۲) مالکیت دولتی می‌تواند

نوعی ریسک شرکت‌های دولتی را افزایش خواهند داد. اما عده‌ای معتقدند به دلیل اینکه دولت‌مردان با انگیزه حسن شهرت بر مدیران نظارت می‌کنند، لذا هزینه‌های نظارتی در شرکت‌های دولتی کمتر است (رضایی و جعفری نیارکی، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

### تأثیر ارتباطات سیاسی بر کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی

مطالعات زیادی نشان می‌دهد که پیروی از استانداردهای حسابداری به تنهایی نمی‌تواند کیفیت صورت‌های مالی و ارقام مندرج در آن را تضمین کند. زیرا عوامل دیگری نیز بر روی کیفیت صورت‌های مالی و گزارشگری مالی تأثیر دارند. یکی از عوامل با اهمیت و قابل توجه، نفوذ سیاسی مدیران و مالکان بنگاه‌های اقتصادی در محافل سیاسی و روابط آنها با کانون‌های قدرت سیاسی است (چنی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۲: ۲). روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی و تهیه صورت‌های مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. که انتظار می‌رود این امر در نهایت باعث ایجاد تفاوت‌های چشمگیر، در کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی گردد (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲: ۵).

از منظر حاکمیت شرکتی بدیهی است که شرکت‌های دارای روابط سیاسی مشکلات سازمانی شدیدی را تجربه می‌کنند. به استدلال صورت گرفته توسط محققان دانشگاهی، روابط سیاسی بازتابی از مشکل سازمانی شرکت می‌باشد. علاوه بر این وجه نقد این شرکت‌ها معمولاً توسط قدرت حاکمیت شرکتی شکل گرفته و اهداف دولت را دنبال می‌کند. با توجه به اینکه مدیران این شرکت‌ها پایبند به اهداف سیاسی هستند دولت آنها را به ذخایر نقدی بزرگ از طریق تأمین مالی ارزان و پرداخت مالیات کمتر قادر خواهد ساخت (بوباگری و همکاران، ۲۰۱۲: ۵۴۴). عوامل سیاسی از جمله عوامل نهادی تأثیرگذار بر انگیزه مدیران در تهیه صورت‌های مالی است. کیفیت و کمیت اطلاعات حسابداری موجود در گزارش مالی یک شرکت به طور جدی تحت تأثیر نفوذ سیاسی موجود در شرکت قرار دارد. شواهد تجربی نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای نفوذ سیاسی بیشتر، شفافیت کمتری دارند. شرکت‌های دارای روابط سیاسی در معرض خطر بیشتری برای

1. Al-dhamari, Ku Ismail  
2. Cullinan

1. Chaney

سیاسی عملکرد خود را بهبود بخشیده و بدهی خود را افزایش می‌دهند.

رضایی و مشیری (۱۳۹۳) به تحقیقی با عنوان «تعیین تأثیر ساختار مالکیت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها» پرداختند. آزمون تجربی با استفاده از اطلاعات مربوط به ۸۹ شرکت نمونه از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی ده سال مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که بین مالکیت بلوکی و معیار اختلاف دائمی مالیات رابطه معنادار و منفی و با نرخ مؤثر مالیات نقدی رابطه معناداری یافت نشد. ضمناً بین مالکیت نهادی و معیار اختلاف دائمی مالیات رابطه معنادار و منفی و در روش نرخ مؤثر مالیات نقدی رابطه معناداری یافت نشد.

رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳) در تحقیقی به بررسی اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی پرداختند و تعداد ۱۴۹ شرکت را در دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۲ بررسی نمودند. نتایج این تحقیق نشان داد که در شرکت‌هایی که ساختار مالکیت متمرکز است، کیفیت سود نیز بالا است، حال آنکه در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، کیفیت سود پایین است.

#### فرضیه‌ها و مدل پژوهش

با توجه به میانی نظری پژوهش و پیشینه آن، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه اول: مالکیت دولتی اثر معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد.

فرضیه دوم: ارتباطات سیاسی اثر معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد.

فرضیه سوم: مالکیت دولتی اثر معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد.

فرضیه چهارم: ارتباطات سیاسی اثر معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد.

#### روش تحقیق و جامعه آماری

این پژوهش از نظر هدف، از دسته کاربردی به شمار می‌رود و از نظر روش، پژوهش توصیفی مبتنی بر تحلیل رگرسیون خطی است که در آن، از تحلیل داده‌های ترکیبی استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز از لوح فشرده تدبیر پرداز و سایت کدال جمع‌آوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Eviews انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی

منجر به دو پیامد مکمل در شرکت‌ها شود. اولین پیامد مالکیت دولتی فقدان نظارت مؤثر بر عملکرد مدیران شرکت‌ها است، زیرا در شرکت‌های دولتی، شخص یا اشخاصی که به نمایندگی از سوی دولت، انتخاب مدیران شرکت را بر عهده دارند، ممکن است دلسوزی لازم را نسبت به منابع اقتصادی دولت نداشته باشند و در نتیجه نظارت مؤثری هم بر عملکرد مدیران شرکت‌های دولتی اعمال نکنند. دومین پیامد مالکیت دولتی، انتصاب مدیران شرکت بر اساس روابط است تا بر اساس ضوابطی از قبیل تجربه و سوابق شغلی، در نتیجه این دسته از مدیران تمایل دارند برای ارتقای موقعیت سیاسی خود به هر نحوی شده نظر مساعد کارفرما را جلب نمایند (رضازاده و خانی لنگلی، ۱۳۹۴: ۳۶). طبق فرضیه ارتقای سیاسی، عملکرد مدیران شرکت‌های دولتی به طور عمده بر اساس معیارهای کوتاه‌مدت سنجیده می‌شود. بنابراین مدیران این شرکت‌ها هم بیشتر بر سرمایه‌گذاری در پروژه‌های کوتاه‌مدت تمرکز می‌کنند، پروژه‌هایی که در کوتاه‌مدت آثار مثبت دارند، آنها در بلندمدت معکوس می‌شود. مدیران در اثر تمرکز بر معیارهای عملکرد کوتاه‌مدت به استفاده از رویه‌های حسابداری متهورانه هم رغبت بیشتری نشان می‌دهند و در نتیجه بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیرگذار می‌باشند (ژو و لی، ۲۰۰۸: ۴۱).

به دنبال افزایش سطح مالکیت دولتی، میزان سهام نگهداری شده توسط سایر سهامداران کاهش می‌یابد. این دسته از سهامداران غیر دولتی، انگیزه و فرصت کمتری برای نظارت دقیق بر رفتار مدیریت دارند و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی کاهش می‌یابد (رضازاده و خانی لنگلی، ۱۳۹۴: ۴). با توجه به اینکه مدیران این شرکت‌ها پایبند به اهداف سیاسی هستند دولت آنها را به ذخایر نقدی بزرگ از طریق تأمین مالی ارزان و پرداخت مالیات کمتر قادر خواهد ساخت (بوباگری و دیگران، ۲۰۱۲).

لیو و همکاران (۲۰۱۴) به تحقیقی با عنوان «انگیزه‌های سازمانی و کیفیت سود: تأثیر حاکمیت دولتی در چین» پرداختند. دوره زمانی تحقیق آنها سال‌های بین ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۵ بود. نتایج تحقیق آنها نشان داد که شرکت‌های تحت مالکیت دولت از کیفیت سود پایین‌تری برخوردارند.

بوباگری و دیگران (۲۰۱۲) در تحقیقی به بررسی تأثیر روابط سیاسی بر روی عملکرد شرکت و تصمیمات تأمین مالی پرداختند. آنها یافتند که شرکت‌ها بعد از برقراری روابط

۴. جزء شرکت‌های مالی (مانند بانک‌ها، مؤسسات مالی) و شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا شرکت‌های واسطه‌گری مالی نباشد.

جدول زیر تعداد شرکت‌های نمونه را پس از اعمال محدودیت‌های بالا نشان می‌دهد، پس از اعمال محدودیت‌های فوق، تعداد شرکت‌های انتخابی ۱۰۶ شرکت می‌باشد و در مجموع تعداد ۶۳۶ سال- شرکت مورد بررسی قرار گرفته است.

سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ هستند. در این پژوهش، نمونه‌گیری با استفاده از روش حذفی سیستماتیک انجام شده است. لذا نمونه‌ی انتخابی شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده که شرایط زیر را دارا باشند:

۱. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفندماه باشد.

۲. در طی دوره مورد بررسی (۱۳۸۹-۱۳۹۴) تغییر سال مالی نداشته باشد.

۳. اطلاعات مالی آن قابل دسترس باشد و شرکت دارای وقفه معاملاتی بیش از سه ماه نداشته باشد.

جدول شماره ۱. نحوه انتخاب تعداد شرکت‌های نمونه

تعداد شرکت‌ها	شرح
۴۸۴	تعداد کل شرکت‌های که تا پایان سال ۹۴ عضو بورس می‌باشند.
(۳۱)	تعداد شرکت‌های غیرمالی که بین سال‌های ۸۹-۹۴ وارد بورس شده‌اند
(۶۶)	شرکت‌های از نوع تأمین‌کننده مالی، سرمایه‌گذاری و بیمه‌ای
(۱۳۷)	تعداد شرکت‌های حذف شده از بورس اوراق بهادار
(۵۱)	تعداد شرکت‌های دارای وقفه طولانی مدت
(۱۰)	شرکت‌هایی که در طول سال ۸۹ تا ۹۴ تغییر سال مالی داشته باشند.
(۶۷)	شرکت‌هایی که سال مالی آنها پایان اسفندماه نباشد.
(۱۶)	داده‌های متغیرهای تحقیق برای شرکت‌های مورد نظر قابل دسترس نمی‌باشد.
۱۰۶	تعداد شرکت‌های باقیمانده

وجود اعضای هیئت‌مدیره وابسته به دولت به شرح زیر استفاده شده است:

- نسبت بدهی‌های بلندمدت به کل بدهی‌ها در هر سال برای هر شرکت محاسبه شده است.
- نسبت اعضای هیئت‌مدیره وابسته به دولت به کل اعضای هیئت‌مدیره در هر سال برای هر شرکت محاسبه شده است.
- شرکت‌هایی که نسبت بدهی‌های بلندمدت به کل بدهی‌های آنها و نیز نسبت اعضای هیئت‌مدیره وابسته به دولت به کل اعضای هیئت‌مدیره آنها بیشتر از میانه سایر شرکت‌ها می‌باشد به عنوان شرکت‌های دارای روابط سیاسی می‌باشند و به آنها عدد یک اختصاص می‌یابد و مابقی شرکت‌ها عدد صفر اختصاص یافته است.

#### متغیرهای وابسته:

الف- مدیریت سود (EM): متغیر وابسته در فرضیه‌های اول و سوم کیفیت گزارشگری مالی هست، برای اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی از میزان مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی استفاده شده توسط شرکت‌ها استفاده می‌شود، مدیریت سود یک معیار معکوس برای کیفیت سود می‌باشد، یعنی هر چه میزان مدیریت سود بیشتر باشد کیفیت گزارشگری مالی کمتر می‌باشد. بر اساس مطالعات انجام شده توسط دچاو و دیچو (۲۰۰۱)، مدل تعدیل شده جونز قوی‌ترین مدل برای اندازه‌گیری مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی است. بر این اساس در پژوهش حاضر از مدل مذکور برای محاسبه ارقام تعهدی اختیاری استفاده شده است. در مدل تعدیل شده جونز ابتدا کل ارقام تعهدی به شرح زیر محاسبه می‌گردد (دچاو و دیگران، ۱۹۹۵):

$$TAC_{it} = E_{it} - OCF_{it} \quad \text{رابطه (۵)}$$

$TAC_{it}$ : کل ارقام تعهدی

$E_{it}$ : سود عملیاتی

$OCF_{it}$ : جریان‌های نقدی حاصل از عملیات

در مدل تعدیل شده جونز پس از محاسبه کل ارقام تعهدی

به شکل ترکیبی (برای سال شرکت‌ها)، ارقام تعهدی اختیاری از طریق فرمول زیر برآورد می‌شوند (دچاو و دیگران، ۱۹۹۵):

رابطه (۶)

#### مدل‌های تحقیق و نحوه اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق

مدل رگرسیونی فرضیه‌های تحقیق که با الگوبرداری از تحقیق کیم و ژانگ (۲۰۱۶) انجام شده است، به شرح رابطه‌های ۱ تا ۴ می‌باشند:

رابطه (۱)

$$EM_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 GO_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 CFO + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۲)

$$EM_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 PCON_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 CFO + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۳)

$$ETR_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 GO_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 CFO + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۴)

$$ETR_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 PCON_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 CFO + \varepsilon_{it}$$

که در رابطه‌های بالا EM مدیریت سود، GO ارتباطات سیاسی، SIZE اندازه شرکت، LEV اهرم مالی، ROA بازده دارایی‌ها، CFO نسبت وجه نقد عملیاتی، PCON ارتباطات سیاسی، ETR اجتناب مالیاتی و  $\varepsilon_{it}$  جزء باقیمانده مدل است.

#### متغیرهای مستقل تحقیق

الف- مالکیت دولتی (GO): بر اساس درصد مالکیت سهام در اختیار شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت و نهادهای حکومتی اندازه‌گیری می‌گردد.

ب- ارتباطات سیاسی (PCON): ارتباطات سیاسی یک متغیر مجازی با ارزش صفر و یک هست، به این صورت که به شرکت‌هایی که دارای ارتباطات سیاسی می‌باشند عدد یک و به مابقی شرکت‌ها صفر اختصاص یافته است.

در این تحقیق جهت اندازه‌گیری ارتباطات سیاسی به پیروی از مطالعات انجام شده توسط فان و همکاران (۲۰۰۸)، فان و وانگ (۲۰۰۶) و لین و همکاران (۲۰۱۵) از دو معیار بدهی بلندمدت و نیز



د- نسبت وجه نقد عملیاتی (CFO): از تقسیم وجه نقد عملیاتی به جمع دارایی‌ها محاسبه می‌گردد.

$$\frac{TAC_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_1 \frac{1}{A_{it-1}} + \alpha_2 \frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} + \alpha_3 \frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} + \varepsilon_{it}$$

### یافته‌های پژوهش

#### آمار توصیفی و همبستگی متغیرها

به منظور کسب شناخت بیشتر درباره نمونه آماری و متغیرهای مورد مطالعه، خلاصه وضعیت آمار توصیفی متغیرهای تحقیق محاسبه گردیده است. آماره‌های توصیفی شامل میانگین، میانه، حداقل، حداکثر، انحراف معیار و ضریب چولگی هر متغیر می‌باشد. میانگین اصلی‌ترین شاخص مرکزی است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. میانه مقداری است که ۵۰ درصد داده‌های

نمونه پایین‌تر از آن و ۵۰ درصد بالاتر از آن قرار می‌گیرند. به طور کلی از میانه به عنوان اندازه تمایل به مرکز توزیع‌هایی که شکل آنها غیرمتقارن است، استفاده می‌شود. انحراف معیار مهم‌ترین پارامتر پراکندگی است که از جذر واریانس به دست می‌آید این شاخص، نشان دهنده متوسط نوسان مشاهدات از میانگین آن‌ها است و ضریب چولگی نشان دهنده پراکندگی به چپ یا راست داده‌ها نسبت به توزیع نرمال هست. جدول ۱ نمایی کلی از آمار توصیفی متغیرها را نشان می‌دهد:

TAC<sub>it</sub>: کل اقلام تعهدی

A<sub>i,t-1</sub>: ارزش دفتری کل دارایی‌های

ΔREV<sub>it</sub>: تغییر در درآمد فروش

PPE<sub>it</sub>: اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات ناخالص ε<sub>it</sub>: جزء خطا می‌باشد که بیانگر اقلام تعهدی اختیاری هست و به عنوان مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی (EM) در نظر گرفته می‌شود. ب- اجتناب مالیاتی (ETR): متغیر وابسته در فرضیه‌های دوم و چهارم اجتناب مالیاتی می‌باشد، برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی از میزان اختلاف دائمی مالیات طبق رابطه ۷ استفاده می‌شود (رضایی و جعفری نیارکی، ۱۳۹۴):

$$BTD = \frac{\text{مالیات برای - مالیات طبق برگ تشخیص}}{\text{مجموع دارایی‌های اول دوره}}$$

رابطه (۷) متغیرهای کنترلی:

الف- اندازه شرکت (SIZE): بر اساس لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های شرکت محاسبه می‌گردد.

ب- اهرم مالی (LEV): از تقسیم جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها محاسبه می‌گردد.

ج- نرخ بازده دارایی‌ها (ROA): از تقسیم سود خالص به جمع دارایی‌ها محاسبه می‌گردد.

جدول شماره ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	ضریب چولگی
PCON	۰.۴۱۶	۰	۱	۰	۰.۴۹۳	۰.۳۳۸
GO	۰.۱۳۹	۰.۰۹۸	۰.۹۰۷	۰	۰.۱۱۷	۱.۰۷۱
EM	-۰.۰۰۴	-۰.۰۲۱	۰.۶۸۲	-۰.۴۲۶	۰.۱۵۶	۰.۷۷۵
ETR	۰.۰۰۷	۰.۰۰۴	۰.۲۵۱	-۰.۱۴۵	۰.۰۴۹	۱.۱۹۳
SIZE	۱۳.۸۶۲	۱۳.۶۷۸	۱۸.۹۱۸	۱۰.۵۰۴	۱.۵۳۶	۰.۶۸۰
LEV	۰.۶۱۹	۰.۶۱۹	۱.۶۶۰	۰.۰۶۵	۰.۲۵۵	۰.۶۶۰
ROA	۰.۱۰۵	۰.۰۸۶	۰.۵۵۳	-۰.۲۸۹	۰.۱۴۱	۰.۴۸۰
CFO	۰.۱۰۷	۰.۰۸۹	۰.۶۴۲	-۰.۴۲۹	۰.۱۳۹	۰.۵۶۵

تعیین همبستگی متغیرهای مستقل و کنترلی استفاده شده است، همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، همبستگی بیشتر از ۰/۵۰ وجود ندارد.

در یک مدل رگرسیون چنانچه همبستگی بین متغیرهای مستقل زیاد باشد، ممکن است منجر به مخدوش شدن نتایج شود. در تحقیق حاضر از ضریب همبستگی پیرسون برای

جدول شماره ۳. نتایج آزمون ضریب همبستگی

CFO	ROA	LEV	SIZE	PCON	GO	
					۱	GO
				۱	۰.۰۲۶*	PCON
			۱	-۰.۰۹۵*	-۰.۰۰۶*	SIZE
		۱	۰.۰۵۸*	*۰.۰۳۳*	۰.۰۰۸*	LEV
	۱	-۰.۳۷۶**	۰.۰۹۵*	-۰.۰۰۱*	۰.۰۸۳*	ROA
۱	**	-۰.۲۵۰**	۰.۰۱۰*	۰.۰۴۷*	۰.۰۳۵*	CFO
			** سطح اطمینان ۹۵٪			** سطح اطمینان ۹۹٪

### آزمون نرمال بودن و تعیین نوع داده‌ها

۰/۰۵ بوده و در نتیجه داده‌های فرضیه اول و دوم از نوع تابلویی می‌باشند، اما در فرضیه‌های سوم و چهارم سطح معناداری آزمون اف-لیمر بیشتر از ۰/۰۵ بوده و در نتیجه داده‌های فرضیه سوم و چهارم از نوع ترکیبی می‌باشند. بعد از مشخص شدن نوع داده‌ها باید برای آن دسته از داده‌ها که از نوع تابلویی می‌باشند، اثرات ثابت و تصادفی بودن آنها نیز مشخص گردد. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده می‌شود، در این آزمون اگر سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ باشد اثرات ثابت‌اند و در غیر این صورت اثرات تصادفی هستند، با توجه به اینکه داده‌های فرضیه سوم و چهارم از نوع ترکیبی می‌باشند، لذا برای فرضیه سوم و چهارم آزمون هاسمن استفاده نشده است:

در انجام این تحقیق به منظور تخمین پارامترهای مدل از روش حداقل مربعات استفاده می‌گردد و این روش بر این فرض استوار است که متغیر وابسته تحقیق دارای توزیع نرمال باشد، در این مطالعه این موضوع از طریق آماره کولموگروف اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به اینکه سطح اهمیت این آزمون برای متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰/۰۵ باشد نرمال بودن توزیع متغیر پذیرفته می‌شود. از طرف دیگر برای آزمون داده‌ها ابتدا باید تابلویی و یا ترکیبی بودن داده‌ها تشخیص داده شود. برای این کار از آزمون اف-لیمر استفاده می‌شود. اگر سطح معناداری آن کمتر از ۰/۰۵ باشد داده‌ها پنل (تابلویی) هستند و در غیر این صورت پول (ترکیبی) هستند. همان طور که در جدول مشاهده می‌کنید در فرضیه‌های اول و دوم سطح معناداری آزمون اف-لیمر کمتر از

جدول شماره ۴. نتایج آزمون اف-لیمر و هاسمن

نتایج آزمون هاسمن			نتایج آزمون اف-لیمر			
نتیجه	احتمال	آماره	نتیجه	احتمال	آماره	فرضیه
اثرات ثابت	۰.۰۰۰۰	۴۸.۱۱۱	تابلویی	۰.۰۰۰۰	۳.۶۲۴	فرضیه اول تحقیق
اثرات ثابت	۰.۰۰۰۰	۵۲.۰۵۰	تابلویی	۰.۰۰۰۰	۳.۷۱۸	فرضیه دوم تحقیق
			ترکیبی	۰.۲۱۶۱	۱.۱۱۸	فرضیه سوم تحقیق
			ترکیبی	۰.۲۸۶۳	۱.۰۸۲	فرضیه چهارم تحقیق

### آزمون فرضیه‌های تحقیق

یکی از ضرایب مدل رگرسیونی مخالف صفر است. مقدار دوربین واتسون برآورد شده برابر با ۲/۰۲۷ است و از آنجائی که مقدار محاسبه شده در محدوده بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین این مقدار بیانگر این موضوع است که بین باقیمانده‌ها خود همبستگی نوع اول وجود ندارد.

الف- فرضیه اول: مالکیت دولتی اثر معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد.

برای بررسی معناداری کل مدل از آماره F استفاده می‌گردد. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده در جدول ۴ (معناداری مدل ۰/۰۰۰۰) مشخص می‌گردد که مدل معنادار بوده و حداقل

جدول شماره ۵. نتایج آزمون معناداری مدل رگرسیون فرضیه اول

$$EM_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 GO_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 CFO + \varepsilon_{it}$$

متغیرها	ضرایب مدل	آماره t	معنی‌داری
مقدار ثابت مدل ( $\alpha_0$ )	-۰.۰۱۲	-۰.۰۹۰	۰.۹۲۷۸
مالکیت دولتی (GO)	۰.۱۲۰	۲.۱۰۷	۰.۰۳۵۵
اندازه شرکت (SIZE)	۰.۰۰۶	۰.۶۸۰	۰.۴۹۶۳
اهرم مالی (LEV)	-۰.۰۷۱	-۲.۰۱۵	۰.۰۴۴۴
بازده دارایی‌ها (ROA)	۰.۰۷۴	۱۱.۸۷۶	۰.۰۰۰۰
نسبت وجه نقد عملیاتی (CFO)	-۰.۹۲۸	-۲۸.۵۶۹	۰.۰۰۰۰
ضریب تعیین مدل ( $R^2$ )	۰.۷۷۳	معنی‌داری مدل	۰.۰۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده مدل ( $Adj-R^2$ )	۰.۷۲۶	دوربین واتسون	۲.۰۲۷
نیکیویی برازش مدل (آماره F)	۱۶.۳۰۱	تعداد مشاهدات	۶۳۶

مدل (۰/۰۰۰) مشخص می‌گردد که مدل معنادار بوده و حداقل یکی از ضرایب مدل رگرسیونی مخالف صفر است. مقدار دوربین واتسون برآورد شده برابر با ۲/۰۱۲ است و از آنجائی که مقدار محاسبه شده در محدوده بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین این مقدار بیانگر این موضوع است که بین باقیمانده‌ها خود همبستگی نوع اول وجود ندارد. با توجه به اینکه سطح معناداری متغیر مستقل ارتباطات سیاسی برابر با ۰/۰۳۲ می‌باشد که مقدار آن کمتر از ۰/۰۵ هست، بنابراین نتایج مدل نشان دهنده آن است که در سطح اطمینان ۹۵٪ اثرات ارتباطات سیاسی اثر معناداری بر متغیر وابسته مدیریت سود دارد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مستقل مثبت و برابر با ۰/۰۲۶ می‌باشد، مشخص می‌گردد که ارتباطات سیاسی اثر مثبت و معناداری بر متغیر وابسته دارد، می‌توان نتیجه گرفت که زمانی که ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها افزایش می‌یابد، میزان مدیریت سود و استفاده از اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌ها نیز افزایش می‌یابد و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی کاهش می‌یابد، لذا فرضیه دوم تحقیق تأیید می‌گردد و ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده در نتایج برآورد شده مدل رگرسیونی این فرضیه برابر با ۰/۷۲۸ می‌باشد که این مقدار بیانگر این است که حدود ۷۳٪ رفتار متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترل‌های توضیح داده می‌شود.

با توجه به اینکه سطح معناداری متغیر مستقل مالکیت دولتی برابر با ۰/۰۳۵۵ می‌باشد که مقدار آن کمتر از ۰/۰۵ هست، بنابراین نتایج مدل نشان دهنده آن است که در سطح اطمینان ۹۵٪

مالکیت دولتی اثر معناداری بر متغیر وابسته مدیریت سود دارد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مستقل مثبت و برابر با ۰/۱۲۰ هست، مشخص می‌گردد که مالکیت دولتی اثر مثبت و معناداری بر متغیر وابسته دارد، می‌توان نتیجه گرفت که زمانی که درصد مالکیت دولتی در شرکت‌ها افزایش می‌یابد، میزان مدیریت سود و استفاده از اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌ها نیز افزایش می‌یابد و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی کاهش می‌یابد، لذا فرضیه اول تحقیق تأیید می‌گردد و مالکیت دولتی اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده در نتایج برآورد شده مدل رگرسیونی این فرضیه برابر با ۰/۷۲۶ می‌باشد که این مقدار بیانگر این است که حدود ۷۳٪ رفتار متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترل‌های توضیح داده می‌شود.

ب- فرضیه دوم: ارتباطات سیاسی اثر معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. برای بررسی معناداری کل مدل از آماره F استفاده می‌گردد. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده در جدول ۵ (معناداری

جدول شماره ۶. نتایج آزمون معناداری مدل رگرسیون فرضیه دوم

$EM_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 PCON_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 CFO + \varepsilon_{it}$			
متغیرها	ضرایب مدل	آماره t	معنی‌داری
مقدار ثابت مدل ( $\alpha_0$ )	-۰.۰۰۵	-۰.۰۴۳	۰.۹۶۵۴
ارتباطات سیاسی (PCON)	۰.۰۲۶	۲.۹۶۱	۰.۰۰۳۲
اندازه شرکت (SIZE)	۰.۰۰۵	۰.۵۸۲	۰.۵۶۰۶
اهرم مالی (LEV)	-۰.۰۶۸	-۱.۹۹۳	۰.۰۴۸۰

۰.۰۰۰۰	۱۱.۵۴۱	۰.۵۶۰	بازده دارایی‌ها (ROA)
۰.۰۰۰۰	-۲۸.۷۲۱	-۰.۹۲۸	نسبت وجه نقد عملیاتی (CFO)
۰.۰۰۰۰	معنی‌داری مدل	۰.۷۷۵	ضریب تعیین مدل (R <sup>2</sup> )
۲.۰۱۲	دوربین واتسون	۰.۷۲۸	ضریب تعیین تعدیل شده مدل (Adj-R <sup>2</sup> )
۶۳۶	تعداد مشاهدات	۱۶.۴۷۳	نیکویی برآزش مدل (آماره F)

بوده و حداقل یکی از ضرایب مدل رگرسیونی مخالف صفر است. مقدار دوربین واتسون برآورد شده برابر با ۱/۹۰۴ است و از آنجائی که مقدار محاسبه شده در محدوده بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین این مقدار بیانگر این موضوع است که بین باقیمانده‌ها خودهمبستگی نوع اول وجود ندارد.

ج- فرضیه سوم: مالکیت دولتی اثر معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد.

برای بررسی معناداری کل مدل از آماره F استفاده می‌گردد. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده در جدول ۶ (معناداری مدل ۰/۰۰۰۰) مشخص می‌گردد که مدل معنادار

جدول شماره ۷. نتایج آزمون معناداری مدل رگرسیون فرضیه سوم

$ETR_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 GO_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 CFO + \varepsilon_{it}$			
متغیرها	ضرایب مدل	آماره t	معنی‌داری
مقدار ثابت مدل ( $\alpha_0$ )	۰.۰۲۰	۱.۱۱۰	۰.۲۶۷۰
مالکیت دولتی (GO)	۰.۰۰۶	۰.۳۸۰	۰.۷۰۳۸
اندازه شرکت (SIZE)	-۰.۰۰۱	-۰.۳۹۵	۰.۶۹۲۴
اهرم مالی (LEV)	-۰.۰۱۲	-۱.۱۹۸	۰.۲۳۱۲
بازده دارایی‌ها (ROA)	-۰.۰۲۵	-۱.۲۴۸	۰.۲۱۲۵
نسبت وجه نقد عملیاتی (CFO)	۰.۰۲۳	۱.۹۹۷	۰.۰۴۷۸
ضریب تعیین مدل (R <sup>2</sup> )	۰.۴۵۱	معنی‌داری مدل	۰.۰۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده مدل (Adj-R <sup>2</sup> )	۰.۳۶۸	دوربین واتسون	۲.۰۲۷
نیکویی برآزش مدل (آماره F)	۱۲.۱۰۴	تعداد مشاهدات	۶۳۶

برای بررسی معناداری کل مدل از آماره F استفاده می‌گردد. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده در جدول ۷ (معناداری مدل ۰/۰۰۰۰) مشخص می‌گردد که مدل معنادار بوده و حداقل یکی از ضرایب مدل رگرسیونی مخالف صفر است. مقدار دوربین واتسون برآورد شده برابر با ۱/۸۲۱ است و از آنجائی که مقدار محاسبه شده در محدوده بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین این مقدار بیانگر این موضوع است که بین باقیمانده‌ها خودهمبستگی نوع اول وجود ندارد. با توجه به اینکه سطح معناداری متغیر مستقل ارتباطات سیاسی برابر با ۰/۰۰۷۷ می‌باشد که مقدار آن کمتر از ۰/۰۵ هست، بنابراین نتایج مدل نشان دهنده آن است که در سطح اطمینان ۹۵٪ ارتباطات سیاسی اثر معناداری بر متغیر وابسته اجتناب مالیاتی

با توجه به اینکه سطح معناداری متغیر مستقل مالکیت دولتی برابر با ۰/۷۰۳۸ هست که مقدار آن بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین نتایج مدل نشان دهنده آن است که در سطح اطمینان ۹۵٪ مالکیت دولتی اثر معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد. لذا فرضیه سوم تحقیق تأیید نمی‌گردد و مالکیت دولتی اثر معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها ندارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده در نتایج برآورد شده مدل رگرسیونی این فرضیه برابر با ۰/۳۶۸ می‌باشد که این مقدار بیانگر این مطلب است که حدود ۳۷٪ رفتار متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود.

د- فرضیه چهارم: ارتباطات سیاسی اثر معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد.

مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده در نتایج برآورد شده مدل رگرسیونی این فرضیه برابر با ۰/۴۲۰ می‌باشد که این مقدار بیانگر این مطلب است که حدود ۴۲٪ رفتار متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود.

دارد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مستقل مثبت و برابر با ۰/۰۰۲ می‌باشد، مشخص می‌گردد که ارتباطات سیاسی اثر مثبت و معناداری بر متغیر وابسته دارد، می‌توان نتیجه گرفت که زمانی که ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها افزایش می‌یابد، میزان اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها نیز افزایش می‌یابد، لذا فرضیه چهارم تحقیق تأیید می‌گردد و ارتباطات سیاسی اثر

جدول شماره ۸: نتایج آزمون معناداری مدل رگرسیون فرضیه چهارم

$ETR_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 PCON_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 CFO + \varepsilon_{it}$			
متغیرها	ضرایب مدل	آماره t	معنی‌داری
مقدار ثابت مدل ( $\alpha_0$ )	-۰.۰۰۳	-۰.۷۹۷	۰.۴۲۵۶
ارتباطات سیاسی (PCON)	۰.۰۰۲	۲.۶۷۵	۰.۰۰۷۷
اندازه شرکت (SIZE)	۰.۰۰۱	۱.۱۶۳	۰.۲۴۵۰
اهرم مالی (LEV)	-۰.۰۰۱	-۰.۸۸۱	۰.۳۷۸۷
بازده دارایی‌ها (ROA)	-۰.۰۰۹	-۲.۸۷۱	۰.۰۰۴۲
نسبت وجه نقد عملیاتی (CFO)	۰.۰۰۸	۲.۸۴۰	۰.۰۰۴۷
ضریب تعیین مدل ( $R^2$ )	۰.۵۳۰	معنی‌داری مدل	۰.۰۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده مدل ( $Adj-R^2$ )	۰.۴۲۰	دوربین واتسون	۱.۸۲۱
نیکویی برآزش مدل (آماره F)	۱۳.۱۳۴	تعداد مشاهدات	۶۳۶

شرکت‌هایی که دارای روابط گسترده سیاسی با دولت می‌باشند، دولت آنها را به ذخایر نقدی بزرگ از طریق تأمین مالی ارزان و پرداخت مالیات کمتر قادر خواهد ساخت و مدیران این شرکت‌ها از سیاست‌های مالیاتی جسورانه‌تری استفاده می‌نمایند (کیم و ژانگ، ۲۰۱۶). عوامل سیاسی از جمله عوامل نهادی تأثیرگذار بر انگیزه مدیران در تهیه صورت‌های مالی است. کیفیت و کمیت اطلاعات حسابداری موجود در گزارش مالی یک شرکت به طور جدی تحت تأثیر نفوذ سیاسی موجود در شرکت قرار دارد. شواهد تجربی نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای نفوذ سیاسی بیشتر، شفافیت کمتری دارند. شرکت‌های دارای روابط سیاسی در معرض خطر بیشتری برای گزارش‌دهی نادرست مقدار سود قرار دارند، بنابراین در

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها تحقیق

در این پژوهش با بررسی اثر ساختار مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی بر کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی سعی شده است گامی نو در تحقیقات مربوط به مالکیت دولتی و اقتصاد مبتنی بر روابط سیاسی در ایران ارائه گردد. به لحاظ مبانی نظری تحقیق، مالکیت دولتی و روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی و تهیه صورت‌های مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد و در نهایت باعث ایجاد تفاوت‌های چشمگیر، در کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی گردد. همچنین

شرکت‌ها افزایش می‌یابد، کیفیت گزارشگری شرکت‌ها کاهش می‌یابد، این نتایج تأییدکننده فرضیه ارتقای سیاسی می‌باشد، طبق فرضیه ارتقای سیاسی، عملکرد مدیران شرکت‌های دولتی به طور عمده بر اساس معیارهای کوتاه‌مدت سنجیده می‌شود، بنابراین مدیران شرکت‌های دولتی تلاش می‌نمایند تا به هر طریق ممکن از جمله استفاده از مدیریت سود و ارقام تعهدی اختیاری، عملکرد دوره جاری را بهبود بخشند و همین امر میزان استفاده از ارقام تعهدی اختیاری را در شرکت‌های با مالکیت دولتی افزایش داده و منجر به کیفیت کمتر گزارشگری مالی می‌گردد. نتایج فرضیه دوم تحقیق نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد و زمانی که ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها افزایش می‌یابد، کیفیت گزارشگری شرکت‌ها کاهش می‌یابد، این نتایج نشان می‌دهد که روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی و تهیه صورت‌های مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد و در نهایت باعث ایجاد تفاوت‌های چشمگیر، در کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی گردد.

نتایج فرضیه سوم تحقیق بیانگر عدم تأیید آن می‌باشد، لذا مالکیت دولتی اثر معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها ندارد، همان طور که قبلاً نیز مطرح گردید چنانکه سازمان‌های دولتی و شبه دولتی سهام شرکت‌ها به ساختار مالکیت و میزان ارتباطات سیاسی آنها آنها توجه نمایند، زیرا کیفیت و شفافیت گزارشگری مالی در این گونه شرکت‌ها کمتر از سایر شرکت‌ها می‌باشد، در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی و پراکندگی سود در این شرکت‌ها بالاتر بوده و موجب نوسان بازده و ریسک بیشتر سهام می‌گردد، لذا سرمایه‌گذاران ریسک‌پذیر باید با احتیاط بیشتری سهام این گونه شرکت‌ها را خریداری نمایند. همچنین با توجه به اینکه نتایج تحقیق حاضر نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی وجود دارد، لذا در این گونه شرکت‌ها ممکن است به منظور کاهش مالیات، اقدام به تقلب و دست‌کاری صورت‌های مالی نمایند، هرچند که این اقدامات در کوتاه‌مدت ممکن است موجب کاهش مالیات پرداختی و در نتیجه کاهش خروج وجه نقد از شرکت شود اما در بلندمدت با کشف این فعالیت‌های متقلبانه هزینه‌های سنگینی بر شرکت به خصوص سهامداران جزء خواهد داشت، لذا سهامداران در هنگام خرید سهام شرکت‌های با ارتباطات سیاسی باید به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته باشند. به سازمان بورس اوراق بهادار و نهادهای نظارتی نیز

شرکت‌های با روابط سیاسی بالاتر، میزان استفاده از ارقام تعهدی بالاتر بوده و مدیریت با استفاده از اختیارات خود و ارقام تعهدی حسابداری اقدام به کاهش و دست‌کاری سود به منظور کاهش مالیات پرداختی می‌نماید تا بتواند میزان پاداش خود را افزایش دهد (لین و همکاران، ۲۰۱۵). شرکت‌هایی که دارای روابط گسترده سیاسی با دولت می‌باشند، دولت آنها را به ذخایر نقدی بزرگ از طریق تأمین مالی ارزان و پرداخت مالیات کمتر قادر خواهد ساخت و مدیران این شرکت‌ها از سیاست‌های مالیاتی جسورانه‌تری استفاده می‌نمایند. در کشور ایران نیز روابط سیاسی دارای ابعاد پررنگی است، سیاسی بودن مدیران و مالکان عمده شرکت‌ها به دلیل دولتی بودن شرکت‌ها و صنایع بزرگ تأثیرگذار بر اقتصاد و نیز نظام اقتصادی حاکم بر کشور یعنی اقتصاد دولتی می‌باشد (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲). از طرفی با توجه به اینکه میزان ارتباطات سیاسی بر جسارت مدیران این گونه شرکت‌ها تأثیرگذار بوده و سطح استفاده از ارقام تعهدی اختیاری را در آنها افزایش می‌دهد و در نتیجه دست‌کاری در میزان سود گزارش شده، میزان مالیات پرداختی شرکت نیز به شکل جسورانه‌ای کاهش می‌یابد.

نتایج تجزیه و تحلیل فرضیه‌های تحقیق در سطح اطمینان ۹۵٪ بیانگر این است که فرضیه اول تحقیق تأیید می‌گردد، بنابراین می‌توان گفت که مالکیت دولتی اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد و زمانی که درصد مالکیت دولت در شرکتی سرمایه‌گذاری قابل توجهی انجام دهند و کنترل آن شرکت را به دست می‌آورند، این اطمینان برای شرکت‌ها ایجاد می‌گردد که کسری وجه نقد آنها توسط نهادهای دولتی و بانک‌ها به راحتی تأمین می‌گردد و نباید نگران کاهش نقدینگی ناشی از پرداخت مالیات باشند، لذا انگیزه‌ای برای اجتناب مالیاتی در این شرکت‌ها وجود ندارد. همچنین نتایج فرضیه چهارم تحقیق نشان داد که ارتباطات سیاسی اثر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها دارد و زمانی که ارتباطات سیاسی شرکت‌ها افزایش می‌یابد، میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها نیز افزایش می‌یابد. این نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که دارای روابط گسترده سیاسی با دولت می‌باشند، دولت آنها را به ذخایر نقدی بزرگ از طریق تأمین مالی ارزان و پرداخت مالیات کمتر قادر خواهد ساخت و مدیران این شرکت‌ها از سیاست‌های مالیاتی جسورانه‌تری استفاده می‌نمایند.

با توجه به اینکه نتایج نشان داد که مالکیت دولتی و روابط سیاسی باعث کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شوند، لذا به سرمایه‌گذاران و تحلیل مالی پیشنهاد می‌گردد تا در هنگام خرید

- می‌گردد.
- به منظور انجام تحقیقات آتی نیز پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:
- پیشنهاد می‌گردد تا در تحقیقات آتی متغیرهای مربوط به بازار از جمله عدم تقارن اطلاعاتی، نقد شوندگی، رتبه افشاء و اطلاع‌رسانی را در شرکت‌های با مالکیت دولتی و سایر شرکت‌ها و نیز در شرکت‌های با روابط سیاسی و سایر شرکت‌ها مورد بررسی قرار دهند.
  - پیشنهاد می‌گردد تا در تحقیقات آتی سایر متغیرهای حسابداری از جمله محافظه‌کاری، دقت پیش‌بینی سود و بحران مالی را در شرکت‌های با مالکیت دولتی و سایر شرکت‌ها و نیز در شرکت‌های با روابط سیاسی و سایر شرکت‌ها مورد بررسی قرار دهند.
  - پیشنهاد می‌گردد تا در تحقیقات آتی اثر خصوصی‌سازی را بر کیفیت سود، عدم تقارن اطلاعاتی، دقت پیش‌بینی سود و محافظه‌کاری مورد بررسی قرار دهند.

و هزینه سهام عادی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۴، ۴۷۰-۴۴۹.

ضیایی بیگدلی، فرهاد (۱۳۸۳). *مالیات بر ارزش‌افزوده: مالیات مدرن، پژوهشکده امور اقتصاد، تهران.*

عاطفی منش، رویا، کشاورز، احمدرضا، (۱۳۹۱). *نگاهی به تحولات بازارهای مالی ایران و جهان طی سال ۱۳۹۱، مجله اقتصادی دوره جدید سال دوازدهم، شماره ۷ و ۸، ۱۱۳-۱۳۰.*

مشایخی، بیتا و سیدی، جلال (۱۳۹۴). *راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی. مجله دانش حسابداری، دوره ۶، شماره ۲۰، ۸۳-۱۰۳.*

مهدی‌فرد، محمدرضا، و رویایی، رمضان‌علی، (۱۳۹۴). *مدیریت سیاسی و قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار: آزمون نظریه اقتصاد سیاسی. فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال هشتم، شماره ۲۵، ۱۹-۲۸.*

نیکو مرام، هاشم، بنی مهد، بهمن، رهنمای رود پستی، فریدون و کیانی، علی، (۱۳۹۲). *اقتصاد مبتنی بر روابط، روابط سیاسی و کیفیت اقلام تعهدی، فصلنامه دانش حسابرسی، سال سیزدهم، شماره ۱۲، ۱-۱۳.*

پیشنهاد می‌گردد تا مقررات و الزامات بیشتری را در خصوص انتشار به موقع سود خالص هر سهم برای شرکت‌های دولتی تدوین نماید و شرکت‌ها را ملزم نماید دلایل تغییرات سود خالص هر سهم و تأخیر در انتشار اطلاعات زیان را به صورت شفاف افشاء نمایند.

نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات انجام شده توسط کیم و ژانگ (۲۰۱۶)، لیو و همکاران (۲۰۱۴)، رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳) و نیکو مرام و همکاران (۱۳۹۲) مطابقت دارد. نتایج تحقیق کیم و ژانگ (۲۰۱۶) نشان داد که ارتباطات سیاسی اثر معناداری سیاست مالیاتی جسورانه دارد و شرکت‌های با ارتباط سیاسی بالاتر از سیاست‌های مالیاتی جسورانه‌تری استفاده می‌نمایند و میزان اجتناب مالیاتی بالاتری دارند. نتایج تحقیق لیو و همکاران (۲۰۱۴) نشان داد که شرکت‌های تحت مالکیت دولت از کیفیت سود پایین‌تری برخوردارند. نتایج تحقیق رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳) نشان که در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت، کیفیت سود پایین‌تر از شرکت‌های دیگر است و نتایج تحقیق نیکو مرام و همکاران (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که وجود روابط سیاسی در شرکت‌های نمونه، منجر به کاهش کیفیت اقلام تعهدی

## منابع

چهرمی، مهتاب (۱۳۹۱). *شفافیت شرکت و اجتناب مالیاتی.* پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

حساس‌یگانه، یحیی، (۱۳۸۴). *مفاهیم حاکمیت شرکتی، نشریه حسابداری، شماره ۱۶۷، ۳۰-۳۳.*

رضازاده، جواد و خانی لنگلی (۱۳۹۴). *تأثیر تمرکز مالکیت و مالکیت دولتی بر محافظه‌کاری حسابداری. دانش حسابداری مالی، شماره ۲، ۳۳-۵۳.*

رضایی، فرزین و جعفری نیارکی، آقایی روح اله (۱۳۹۴). *رابطه بین اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری شرکت‌ها. پژوهشنامه مالیات، جلد ۲۳، شماره ۲۶، ۱۰۹-۱۳۴.*

رضایی، فرزین و مشیری، حسین، (۱۳۹۳). *بررسی رابطه ساختار مالکیت با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، کنفرانس بین‌المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی، تهران، شرکت دانش‌محور ارتاخه.*

رضایی، فرزین و ویسی حصار، ثریا (۱۳۹۳). *اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی*

- Annur H A, Salihu I A, and Sheikh Obid S N (2014) Corporate ownership, governance and tax avoidance: An interactive effects. *Procedia-Social and Behavioral Science*, 164, 150-160.
- Boubakri, N., Cossert, J.C. and Saffar, W. (2012). Political connections and the cost of equity capital, *Journal of Corporate Finance*, 18(3), 541-559.
- Brandt, M., Brav, A., Graham, J. & Kumar, A. (2010). The diosyncratic volatility puzzle: time trend or speculative episodes? *Review of Financial Studies*, 23(2), 863-899.
- Chaney, P. K., Faccio, M. & Parsley, D. C. (2012). The Quality of Accounting Information in Politically Connected Firms. *Working paper, Vanderbilt University*.
- Cullinana, C. P., Wangb F., Wangb P. & Zhangb, J. (2012). Ownership structure and accounting conservatism in China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 21, 1-16.
- Dechow, P. & Dichev, I. (2002). the quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The Accounting Review*, Supplement, 77, 35-59.
- Denis, D. K. & McConnell, J. J. (2003). International corporate governance. *Journal of Financial & Quantitative Analysis*, 38 (1), 1-36.
- Fan, G. & Wang, X. (2006). *Marketization index for China's provinces*. China: National Economic Research Institute.
- Fan, J. P. H., Rui, O. M. & Zhao, M. (2008). Public governance and corporate finance: Evidence from corruption cases. *Journal of Comparative Economics*, 36, 343-364.
- Fisman, R. (2001). Estimating the value of political connections. *The American Economic Review*, 91(4), 1095-1102
- Hanlon, M. & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2- 3): 127-178.
- Jensen, M. C. (1986). Agency cost of free cash flow, corporate finance, and takeovers. *Corporate Finance, and Takeovers. American Economic Review*, 76(2), 323-9.
- Kim, C. & Zhang, L. (2016). Corporate Political Connections and Tax Aggressiveness. *Contemporary Accounting Research*, 33(1), 78-114.
- Lee, W. & Wang, L. (2016). Do political connections affect stock price crash risk? Firm-level evidence from China. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 1, 1-34.
- Lin, K. J., Karim, E. K. & Carter, C. (2015). why does China's stock market have highly synchronous stock price movements? *An information supply perspective Advances in Accounting*, 31(1), 68-79.
- Liu, X., Saidi, R. & Bazaz, M. (2014). Institutional Incentives and Earnings Quality: The Influence of Government Ownership in China. *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 10, 248-261.
- Zhu, C. F. & Li, Z. W. (2008). State ownership and accounting conservatism. *Accounting Research*, 5: 38-45.